

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

در همبستگی با آبادان و خیزش سراسری

برجی که در دوم خردادماه ۱۴۰۱ در آبادان فروریخت و دهها نفر جانباخته و زخمی برجای گذاشت، نماد حکومتی برآمده از سرکوب و فساد و جنایت بود. قربانیان فاجعه مردمانی بودند و هستند که از همان روزهای نخست به قدرت رسیدن حکومت اسلامی جز فقر و فلاکت و دشواریهای مختلف اجتماعی چیزی نسبب شان نشده و با گلوله، آتشبار، آوار و آوارگی و جنگ داخلی و نیابتی به استثمار و فلاکت نشانیده شدند.



فروریختن برج حکومتی متروپل در آبادان، مجرای برای فوران خشم بی‌پایان و نفرت عمیق مردم از بانیان وضع موجود به وجود آورد و خیزش جاری را به رویارویی مستقیم با ماشین سرکوب حکومتی کشانید. فاجعه سینما رکس در تابستان ۵۷ در آبادان، کشتارهای سال ۱۳۵۸ در خرمشهر و اهواز و مسجدسلیمان و... و جنگ ۸ ساله و سرکوب خیزش برای آب و علیه تشنگی در تابستان ۱۴۰۰ تاکنون همه جنایاتی بوده و هستند که در حافظه تاریخی و آگاهی توده‌های به پا خاسته، به‌ویژه در خوزستان ماندگار هستند. این جنایات‌های زنجیره‌ای از طبقه حاکم و حکومتی مشروعیت گرفته و می‌گیرند که فساد نهادینه یکی از مشخصات آن است.

طبقه حاکم ایران در ۴۳ سال گذشته، دسترنج کارگران و تمامی زحمتکشان را به غارت برده و جان و هستی و نیروی کار طبقه کارگر و تهی‌دستان را درو کرده است. این حکومت، با ربودن نان شب و آب و هستی جامعه، چیزی جز فلاکت، حاشیه‌نشینی، قبر خوابی، بیماری، گسترش اعتیاد، ویرانی، مرگ، قتل‌عام، آوارگی، ناامنی اجتماعی، تروریسم دولتی و جنگ‌افروزی و فساد و... نیافریده است.

فروریزی برج متروپل گوشه‌ای از فساد و رانت‌خواری نهادینه‌شده در جمهوری اسلامی را برملا کرد و بیانگر ماهیت مناسبات اقتصادی و سیاسی سرمایه‌داری حاکم بر ایران بود و بار دیگر نشان داد که برای صاحبان قدرت و ثروت جان و زندگی انسان‌ها در برابر سود و رانت‌های بادآورده ارزش ندارد. از همین روی این واقعه با اعتراض توده‌های به‌جان‌آمده مردم آبادان مواجه شد و متعاقباً کارگران و تهیدستان به پیشتازی زنان در اکثر نقاط ایران با آبادان و خوزستان، همبستگی نشان دادند. در این فاجعه، نه‌تنها کارگزاران فاسد و پاسدارانی در نقش شهردار و استاندار و امام‌جمعه و عبدالباقی‌های وابسته شریک جرم و جنایت هستند، بلکه خامنه‌ای و دیگر رهبران درجه اول مناسبات طبقاتی حاکم، مجرمینی هستند که مسئولیت فجایع تاریخی حکومت اسلامی را به عهده داشته و دارند.

پیوند خیزش سراسری اردیبهشت و همبستگی با خوزستان، حکومت را درمانده ساخته است. در این خیزش‌ها توده‌های بپا خاسته ترسی از نیروهای سرکوبگر رژیم ندارند. موج همبستگی، همدردی و همراهی شهرها با همدیگر هرروز بیشتر می‌شود. شعارها بیش از گذشته موجودیت رژیم را نفی کرده است. رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، گرفتار در گرداب بحران‌های اقتصادی و سیاسی، اکنون به بن‌بست و هراس افتاده و با خیزشی مهارناپذیر و سراسری دست‌به‌گریبان است. خیزش دی‌ماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸ و تابستان ۱۴۰۰ و اردیبهشت ۱۴۰۱ که شکوهمندانه همچنان جاری است، با شعارهای رادیکال عینیت یک مبارزه طبقاتی را در پیش روی می‌گذارند. این خیزش خاموشی ناپذیر و همبستگی سراسری که به سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی، رویکرد دارد، با یک اعتصاب سراسری نیروی کار و با همبستگی تهیدستان شهر و روستا و تنها با سازمان‌یابی جنبش کارگری و رهبری آگاه‌مندان طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی است که پیروزی دولتی کارگری شورایی را تضمین می‌کند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، طبقه کارگر و همه اقشار محروم جامعه را به گسترش این اعتراضات و دخالت مؤثر در این تحولات فرامی‌خواند.

زنده‌باد همبستگی و اتحاد انقلابی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

زنده‌باد آزادی، زنده‌باد سوسیالیسم

دوم ژوئن ۲۰۲۲ برابر با دوازده خرداد ۱۴۰۱

امضاها: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت